

دموکراسی و روی‌کرد به عدالت در آتن باستان

ژانت الیزابت بلیک*

چکیده

مقاله‌ی حاضر نهادهای سیاسی و حقوقی آتن در سده‌های ششم تا اواسط سده‌ی چهارم قبل از میلاد را همراه با ارجاع خاص به سیستم دموکراسی آن دوره مورد بررسی قرار می‌دهد. موضوعاتی که در این مقاله مورد اشاره قرار می‌گیرد عبارت‌اند از: الف) فلسفه‌ی سیاسی که در آرایش این نهادها نهفته است، ب) بستر اقتصادی و اجتماعی که این نهادها در آن پدید آمدند و ج) حدود این دموکراسی (به خصوص در زمینه‌ی محدودیت در تعریف شهروندی و عدم مشارکت بخش‌هایی از جامعه‌ی آتن). دموکراسی، از سوی خود آتنی‌ها، همواره به عنوان شکل مطلوب حکومت تلقی نگردیده و برخی نویسندگان پیش‌رو در سده‌های چهارم و پنجم، الیگارش‌ی یعنی حکومت معدودی از "شایسته‌ترین" افراد را به عنوان شکل مطلوب حکومت معرفی کرده‌اند، به طوری که در اواخر سده‌ی پنجم قبل از میلاد، آتن تجربه‌ی دو تلاش نافرجام برای سرنگونی دموکراسی و جای‌گزینی آن با الیگارش‌ی را از سر گذراند. با تمام این احوال دموکراسی آتن تا دوره‌ی هلنی (اواخر سده‌ی چهارم) به بقای خود ادامه داد و خود را به عنوان سیستمی نیرومند که عملاً قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه‌ی خود است به جهانیان شناساند. این دموکراسی معرف نوعی توازن میان قدرت و منافع طبقات مختلف شهروندان در آتن بود که خود، بخشی از تلاش گسترده‌تر برای دادن پاسخی عادلانه به نابرابری‌های موجود در جامعه‌ی روستایی آتیکا در اوایل قرن ششم بود. این مقاله نقش‌های گوناگونی که توسط طبقات

* استادیار دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی .

مختلف در نظام دموکراتیک ایفا می‌شد را مورد بررسی قرار می‌دهد و ظهور یک طبقه‌ی برگزیده در میان طبقه‌ی سنتی حاکم را بررسی می‌کند. جنبه‌ی مهم دیگری که در این جا بررسی می‌شود مفهوم عدالت (و عدالت اجتماعی) است. این مفهوم در واقع سازمان‌دهی سیاسی و حقوقی آتن باستان و اصلاحات حقوقی سولون را زیر سیطره‌ی خود دارد.

این امر هم‌چنین مستقیماً مرتبط است با بحث در مورد ارتباط نزدیک و دوجانبه بین نظام دموکراتیک آتن و روشی که دادگاه‌های آتنی و نظام هیئت منصفه در آتن به آن عمل می‌کردند. استفاده از هیئت منصفه‌ی پر تعداد که توسط عامه‌ی مردم انتخاب می‌شدند در حقیقت توسعه‌ی این باور عمومی بود که دموکراسی عبارتست از اعتماد به قضاوت عامه و صحت عقیده‌ی عموم شهروندان در برابر صحت عقاید معدودی از قدرتمندان. سرآخر، مقاله‌ی حاضر این مطلب را بررسی می‌کند که آیا سیستم "دموکراتیک" آتن باستان واقعاً می‌تواند به عنوان یک "مدل" برای دموکراسی‌های تکثرگرای امروزی اروپا (و سایر نقاط جهان) تلقی شود.

کلید واژگان

آتن باستان، دموکراسی، الیگارش، عدالت، شهروندی، نظام سیاسی.

مقدمه

هدف این مقاله بررسی دقیق نظام دموکراتیک در آتن باستان در سده‌های ششم و پنجم قبل از میلاد است. این بررسی به منظور آن صورت می‌گیرد تا نشان داده شود نظام دموکراسی در آتن واقعا تا چه حد می‌تواند به عنوان سلف دموکراسی‌های امروزی اروپا تلقی شود. هم‌چنین این کنکاش در پی آن است تا رابطه‌ی درونی بین نظام دموکراتیک و مفهومی از عدالت که براساس آن این نظام شکل گرفته و نیز رابطه‌ی آن با عدالت توزیعی که این نظام به ارمغان آورده را مورد بررسی قرار دهد.

لازم است این نکته را در یادداشته باشیم که آتن در زمان خود یک نمونه‌ی استثنایی بوده که چنین نظام سیاسی را استوار کرده است.^۱ طیف گسترده‌ای از انواع دیگر حکومت از الیگارشی گرفته (شامل الیگارشی نظامی اسپارت) تا دیکتاتوری^۲ (مانند دیکتاتوری در کرینث^۳) هم‌زمان در دولت‌شهرهای یونان وجود داشته است. برخی جنبه‌های نظام آتنی در جای دیگر مثلا در شورای تخصصی نظارتی^۴، به منصه‌ی ظهور می‌رسیدند. مع ذلک

۱. سیراکوس بین سال‌های ۴۶۷ تا ۴۰۵ قبل از میلاد، نظام دموکراتیکی را پس از براندازی نظام پادشاهی مستقر کرد.

۲. دیکتاتور «Tyrant (Turannos)» فردی بوده که قدرت مطلق را بدون هیچ‌گونه ادعای توارث قبضه می‌کرده است. گفتنی است غالبا اولین دیکتاتورها در آن زمان، از سوی جامعه به عنوان رهبران قیام‌های علیه نظام اشراف سالار مورد استقبال قرار می‌گرفتند، به عنوان مثال می‌توان به سیپسلوس «Cypselos» اشاره کرد که در ۶۵۰ قبل از میلاد در کرینث حکومت باکیادته «Bacchiadae» را سرنگون کرد و تمام اشراف را کشت و اموالشان را مصادره کرد. سال‌ها بعد از آن زمان بود که واژه‌ی دیکتاتور بار معنایی منفی را یافت که امروزه هم‌چنان آن را دارد.

3. Corinth.

۴. «Probouleutic»؛ این شورا در واقع از جهتی شورایی تخصصی‌تر از شوراهای عمومی بوده است و در مقابل نسبت به تصمیمات متخذه توسط شوراهای عمومی نقش نظارتی داشته است.

نظام‌های سیاسی سایر دولت‌شهرها به طور متفاوتی عمل می‌کرد و نقش شهروندان در نظام تصمیم‌سازی، عدالت توزیعی و اداره‌ی دولت مختص نظام آتن بود.

با این همه، باید به یاد داشت که دموکراسی توسط خود آتنی‌ها همواره به عنوان نظام مطلوب، تلقی نمی‌شده و آرای مخالفین در سده‌های پنجم و چهارم قابل مشاهده است.^۵ مخالفین، این امر را مورد سوال قرار می‌دادند که آیا الیگارشی - یعنی حکومت معدودی از شایسته‌ترین‌ها - نوع بهتری از حکومت نیست؟ در حقیقت در پایان سده‌ی پنجم آتن شاهد دو تلاش برای سرنگونی دموکراسی و جای‌گزینی آن با الیگارشی بود که به روشنی نشان می‌دهد این آرا و افکار صرفاً بحث‌های نظری در میان فیلسوفان و طبقه‌ی تحصیل کرده نبوده‌اند بلکه در زمان بحران تهدیدی برای موجودیت دموکراسی تلقی می‌شده‌اند.

به رغم این چالش‌ها دموکراسی آتن تا دوره‌ی هلنی و ظهور اسکندر مقدونی به حیات خود ادامه داد و خود را به عنوان شکلی از حکومت که قادر به پاسخ‌گویی به بسیاری از نیازهای جامعه است، به جهانیان شناساند. آن چنان که مشاهده خواهیم کرد دموکراسی آتنی از بدو امر از جمله شامل نوعی تعادل قدرت و منافع در میان طبقات مختلف شهروندان آتن بود که خود بخشی از تلاش گسترده‌تر در جهت حل و فصل عادلانه‌ی نارضایتی‌های جوامع روستایی در آتیکا^۶ در اوایل قرن ششم قبل از میلاد بود.

اصلاحات سولون^۷

روی کرد دموکراسی آتن براساس دیدگاه ویژه‌ای از عدالت استوار بود که به صورت اصلاحات حقوقی سولون ظهور کرد. اصلاحات حقوقی سولون نود سال پیش از

۵. اریستوفانس، افلاطون و ارسطو از مشهورترین افراد این گروه محسوب می‌شوند.

6. Attica.

7. Solon.

اصلاحات کleistنس^۸ (در ۸-۵۰۷ قبل از میلاد) صورت گرفت که عموماً به عنوان پایه گذار دموکراسی کلاسیک در آتن تلقی می‌شود. بنابراین می‌توان رابطه‌ی نزدیک و غیرقابل انفکاک بین نظام دموکراسی، اصلاحات حقوقی سولون و منظری از عدالت که حاکم بر آن بود را به خوبی ملاحظه کرد.

عبارت ذیل حاکی از پشتیبانی ارسطو از این امر است: «با پایه گذاری یک نظام قضایی، با کارکنانی از تمام ارکان شهروندان، او (سولون) دموکراسی را در آتن بنا نهاد».^۹ سولون در زمانی که مجموعه قوانین خود را (در ۵۹۴/۵۹۳ قبل از میلاد) توسعه می‌داد، قاضی ارشد (آرکن)^{۱۰} بود. او اولین قانون‌گذار یونان یا حتی آتن نبود. برای مثال دراکن^{۱۱} در ۶۲۱-۶۲۰ قبل از میلاد، در واکنش به تلاش نافرجام سالیون^{۱۲} برای دیکتاتوری، نخستین مجموعه قوانین آتن را ارایه داد که مهم‌ترین شاخصه‌اش مجازات‌های سخت آن بود (واژه‌ی «Draconian» به معنی قوانین سخت‌گیرانه از همین جا در زبان انگلیسی امروزی وارد شده است)^{۱۳}. مع ذلک اصلاحات سولون به نحو خاص برای توسعه-ی دموکراسی آتن اهمیت داشتند و این امر باعث جایگاه ویژه‌ی تاریخی آن‌ها گشت.^{۱۴}

8. Cleisthenes.

9. Aristotle, *The Politics* (trans: T.A.Sinclair), Penguin, 1977, pp.2, 12.

10. Archon.

11. Dracon.

12. Cylon.

۱۳. برای مطالعه در مورد سابقه‌ی نظام حقوقی آتن رک.

Todd, S.C., *The Shape of Athenian Law*, Oxford Universits Press, 1993.

۱۴. قوانین سولون روی چهار طرف مکعب‌های چوبی مدور نوشته شده بوده و پلوتارک ۳۰۰ سال بعد قسمتهایی از آن را در دفتر شورا در آتن مشاهده کرده است. (Plutarch, Solon 25) قوانین سولون



سولون در ایفای نقش خویش به عنوان قانون‌گذار، خود را به مثابه یک میان‌جی فرض کرد که می‌کوشد منافع متضاد را با هم آشتی دهد. این امر ویژگی دموکراسی آتن در اواخر قرن پنجم پیش از میلاد محسوب می‌شود. قوانین سولون در دسترس و مورد رجوع نویسندگان پس از او بوده^{۱۵} و این قوانین به عنوان اساس قانون آتن شناخته می‌شدند (هرچند که در طول زمان این قوانین به روز شده و الحاقاتی از جمله مجازات‌های مالی و سایر قوانین و آیین‌های دادرسی به آن افزوده شد). مجموعه قوانین سولون تا پایان قرن پنجم قبل از میلاد تنها مجموعه‌ی مدون قوانین در آتن بود و بدین ترتیب، در عمل، سولون بنیان‌گذار واقعی دموکراسی آتن محسوب می‌شود.

شرایط سیاسی و اجتماعی‌ای که این قوانین در بستر آن تدوین و در پاسخ به آن‌ها به وجود آمدند، می‌تواند انگیزه و فلسفه‌ی نهفته در این قوانین را بر ما آشکار سازد.^{۱۶} در آن زمان، طبقه‌ی اشراف سیاست را در کنترل خود داشته و بسیاری از آن‌ها پایگاه‌های قدرت منطقه‌ای در مناطق روستایی آتیکا (که در آن‌جا ملاک بودند) داشتند.^{۱۷} هم‌زمان خود شهر

بدون شک در دسترس و مورد رجوع نویسندگان بعد از او بوده است. شاهد این مدعا رساله قانون اساسی آتن اثر ارسطو است

Constitution of Athens at 8.3. Plutarch Solon [trans: John Dryden] (Internet Classics Archive, 2011) at 25, available online: <http://classics.mit.edu/Plutarch/solon.html>.

۱۵. برای مثال ارسطو در سیاست به این قوانین ارجاع می‌دهد.

16. Cohen, D., *Law, Sexuality and Society: The Enforcement of Morals in Classical Athens*, Oxford University Press, 1991.

۱۷. ایشان به عنوان «Eupatridae» یا «مردمان با نسب پاک» شناخته می‌شدند که برای خود حق قضاوت و عضویت در شورای آرنوپاگوس را قایل بوده و در عمل کنترل سیاست و اداره‌ی شهر را در دست داشتند.

آتن نیز (به رغم زمین‌های گسترده‌ای که احاطه‌اش کرده بودند) وسیع و از لحاظ اقتصادی پیشرفته بود.

این پیشرفت اقتصادی به ویژه در زمینه‌ی فعالیت‌های تجاری تخصصی قابل ملاحظه بود. بنابراین، اصلاحات سولون در زمان تضاد شدید منافع اقتصادی روستاییان و شهرنشینان صورت گرفت.

در آن زمان هم‌چنین ناآرامی‌های جدی در میان رعیت‌های روستایی که بر اثر نظام بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی نوعی از بردگی را تجربه می‌کردند صورت گرفت. در پایین‌ترین حد نظام اجتماعی فوق‌الذکر، فرد ممکن بود به عنوان یک «برده‌ی مقروض» زاده شود یا بنابر دلایل متعدد که لزوماً دلایل اقتصادی نبودند به این وضعیت دچار شود.^{۱۸} این نوع از برده‌داری رابطه‌ی نزدیکی با نوع نظام بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی داشت، چرا که کارکرد اصلی آن معمولاً فراهم آوردن نیروی کار لازم برای کشاورزی بود. این حقیقت که وضع و اجرای قانون در دست اشراف قرار داشت این وضعیت را تشدید می‌کرد و باعث می‌شد فقرا بیش از پیش از حقوق مکسبه‌ی خود محروم شوند.^{۱۹} ما می‌توانیم بسیاری از انگیزه‌های سیاسی و ذهنی حاکم بر قوانین سولون را از طریق اشعار او، که بسیاری از آن‌ها هنوز باقی مانده‌اند، دریابیم؛ در آن زمان، شعر وسیله‌ای بود برای بیان عقاید سیاسی. این امر شاهده‌ی است بر آن که طبیعت فرهنگ غالب در آن زمان

۱۸. برای مطالعه‌ی بیش‌تر درباره‌ی بستر اجتماعی اصلاحات سولون و نظام دموکراتیک متعاقب آن در آتن رک.

Jones, J.W., *The Law and Legal Theory of the Greeks*, Oxford, 1956; Andrewes, A., *Greek Society*, Pelican Books, 1975; Pomeroy, S.B., et al., *Ancient Greece – A Political, Social and Cultural History*, Oxford University Press, 1999.

19. Murray, O., *Early Greece*, Fontana, 1980, at ch. 11.

بیش تر شفاهی بوده است. از همین روست که سولون اشعار خود را در ملا عام قرائت می نمود تا دیگران نیز آن را تکرار کنند و به این ترتیب این اشعار نفوذ و ماندگاری یابند.^{۲۰} اگر اشعار سولون را مطالعه کنیم در می یابیم که او آشکارا قصد داشت مشکلات آتن را با استفاده از استنتاج خود از مفهوم عدالت و "صلاح جامعه" حل کند.^{۲۱} به این ترتیب تظلمات سیاسی از طریق مسایل اخلاقی که پدید می آوردند، ابراز می شدند.

اونومی و دوسنومی^{۲۲} (نظم مطلوب و عدم آن)

یکی از مهم ترین آرمان هایی که اصلاحات سولون متضمن آن است و در اشعار او نیز بارها بیان شده است، اونومی یا "نظم مطلوب" است.

سولون این مفهوم را از تصویر ابتکاری هیسود^{۲۳} وام می گیرد.^{۲۴} در آن جا دختران زئوس (خدای خدایان) و تمیس^{۲۵} (عرف) عبارت اند از هورای^{۲۶} (هنجارها)، اونومی (نظم

۲۰. کتابخانه ی

«The Loeb Classical Library (Heinemann: Harvard/London)»

متن دو زبانه ی آثار نویسندگان باستانی را چاپ کرده است و آثار برجسته ترین نویسندگان یونانی ذیل مجموعه ی کلاسیک انتشارات پنگوئن در دست چاپ است. هم چنین رک.

Thomas, R., *Literacy and Orality in Ancient Greece*, Combrige University Press, 1992; Sourvinou-Inward, C., *'Reading' Greek Culture: Texts and Images, Rituals and Myths*, Clarendon Press, 1991.

21. Thomas, *op.cit.*, *supra* n.21.

22. *Eunomie and Dusenomie*.

23. Hesiod.

24. Hesiod, *Works and Days*, 225-247.

25. Themis

26. Horai.

مطلوب)، د/یک^{۲۷} (عدالت)، و/یرن^{۲۸} (صلح). او این امر را در اشعارش نیز مورد اشاره قرار می دهد: وقتی که از تقدس نظم مطلوب و آثار شیطانی خشونت و یا حاکمیت تباه کارانه دوسنومی سخن به میان می آورد.^{۲۹} سولون نظم مطلوب جامعه را در گرو تحقق عدالت اجتماعی می دانست و (برخلاف هیسود) این امر را بر عهدهی آدمیان، و نه دخالت و ارادهی خدایان، می دانست.^{۳۰} بنابراین در این جا هم مسئولیت تحقق نظم مطلوب به تساوی بر دوش تمام افراد بشر است، وانگهی اغنیا صریحا به سبب بدی هایی که شهر از آنها در عذاب است و سبب دوسنومی حاضر شده، سرزنش می شوند. در جای دیگری، سولون به این نکته اشاره می کند که اگرچه طلب ثروت، طبیعی است اما دو نوع از ثروت وجود دارد: ثروتی که به شکل صحیح به دست آمده و ثروتی که از راه سوءاستفاده از قدرت جمع شده است.^{۳۱} بنابراین سولون خود را به شکل قهرمانی می بیند که علیه اشراف سالاری

27. Dikē.

28. Eirēnē.

۲۹. او بیان می دارد: «ونومی همه چیز را به سامان و متناسب می کند / و اغلب بی عدالتی را در زنجیر می کند؛ // ونومی... قضاوت های ناراست را به راه صواب هدایت می کند و شدت عمل های نابردبارانه را تعدیل می کند... در سایه آن تمام افعال آدمیان به سامان و خردمندانه است».

Solon, Fragment 4. 32-39.

۳۰. به عنوان مثال: «شهرمان هرگز بر اثر فرمان زئوس یا ارادهی سایر خدایان نامیرا به ورطهی هلاک نخواهد افتاد؛... بلکه این خود شهروندان هستند که با وحشی گری خود به سمت نابودی این شهر بزرگ گام برمی دارند، به ثروت اعتماد کنید (به سوی آن بروید) ... و آن گاه شیطان آشکار به خانه های هر یک از ما خواهد آمد، و دیگر درب ها و دروازه ها هم نمی تواند آن را از شما دور نگاه دارد».

Ibid., 26-29.

31. Ibid., 13 at p.135.

موضع گیری کرده است، هرچند که برنامه‌ی اصلاحی او بسیار کم‌تر از آن‌چه در اشعارش توصیف کرده بود، پیش رفت.

اصلاحات اجتماعی سولون (که البته با مجموعه‌ی قوانینش همراه بود) مجموعاً به عنوان "سیساکتیریا"^{۳۲} (آزادگر) شناخته می‌شود: واژه‌ای که توسط خود سولون ابداع شد. در زمینه‌ی برده‌گیری به سبب دین، سولون هر نوع دین بر علیه خود فرد مقروض یا خانواده‌اش را که منجر به برده شدن ایشان می‌گشت بی اعتبار اعلام کرد و به این ترتیب به حیات این شکل از برده‌داری پایان داد.^{۳۳} فراتر از این، اصلاحات سولون منجر به انقلاب اجتماعی شد که در نتیجه‌ی آن رابطه‌ی ارباب و رعیتی بین کشاورزان و طبقه‌ی اشراف ملاک خاتمه یافت و بنابراین آن نوع خدمت شبه برده‌داری در زمین‌های کشاورزی نیز پایان پذیرفت.

سولون این اصلاحات سیاسی را (که در نتیجه‌ی آن راه برای توسعه‌ی دموکراسی در آتن هموار شد) با واژگانی توصیف می‌کند که در زمان خود، انقلابی محسوب می‌شدند. (۱) مردم (دمو)^{۳۴} شایسته‌ی کرامت هستند و (۲) نجیب‌زادگی، به آن معنا که ثروت به تنهایی معیار قدرت است، و براساس تولد به افراد اعطا می‌شود، باید متروک شود.^{۳۵}

32. Seisachtheia.

۳۳. آن چنان‌که او نوشته است: «دیگران در بردگی شرم‌آوری گرفتار بودند/ از فکر اربابانشان از ترس به خود می‌لرزیدند/ من آن‌ها را آزاد ساختم. من این کار را با قوه‌ی قهریه انجام دادم/ و بدین‌سان فره و حق را باهم آمیختم».

Fragment op. cit., 36.1-17

34. Demos.

۳۵. «به مردم تا آن حد برتری دادم که بسنده بود. نه از شرف و فضل آنان کاستم و نه بر آن افزودم؛ آنان که به مکنت مشهور بودند و قدرت داشتند، کوشیدم و مراقبت کردم که خوار نشوند. من ایستادم و با سپرم از هر دو گروه مراقبت کردم. و نگذاشتم که هیچ یک بی جهت تفوق یابد».

اساس و پایه‌ی قانون اساسی ابتکاری سولون، معیار جدید او برای توزیع قدرت سیاسی بود. او چهار طبقه‌ی مالکانه را براساس محصولات زمین (یعنی غلات، روغن و یا شراب)^{۳۶} پدید آورد که مالکیت سی جریب یا بیش‌تر از آن، شرط عضویت در بالاترین طبقه‌ی اجتماعی و مالکیت دوازده جریب یا بیش از آن، شرط عضویت در سومین طبقه‌ی اجتماعی بود. مناصب مهم حکومتی بین این طبقات اجتماعی تقسیم شده بود؛ اگرچه به نظر می‌رسد که اعضای پایین‌ترین طبقه‌ی اجتماعی (ت‌ها) نمی‌توانستند صاحب هیچ مقامی شوند^{۳۷} در حالی که نه نفر آرکون (نه نفر قاضی ارشد) همواره از میان بالاترین طبقه‌ی اجتماعی انتخاب می‌شدند.^{۳۸}

Ibid., 5.

36. Murray *op.cit.* n.20.

گروه‌های فوق‌الذکر به قرار ذیل بوده‌اند: پنتوکوسیومدیمنو (Pentokosiomedimnoi) که میزان مشخصی از محصولات کشاورزی را تولید می‌کردند؛ پس از این گروه هیپیز (hippies) قرار داشتند که شوالیه‌هایی بودند که زمین‌هایشان محصولات کم‌تری از گروه قبل برایشان به ارمغان می‌آورد؛ گروه سوم زئوگیتای (zeugitai) (کشاورزان جزء) بودند که زمین‌هایشان محصول کم‌تری از دو گروه قبل می‌داد و در آخر تتر (thetes) قرار داشت که فقیرترین مردم بودند.

۳۷. ارسطو در سیاست می‌نویسد: «امت‌ها هیچ پستی در هیچ اداره‌ای نداشتند.»

Aristotle, *The Politics, op. cit.*, 11. 12.

۳۸. ارسطو (در همان منبع) تاسیس نهادی را به سولون منتسب می‌کند که به موجب آن عامه‌ی مردم آرکون‌ها را انتخاب می‌کردند. به این ترتیب سولون مسئول یکی از پیش‌روترین اصول دموکراتیک نظام آتن است که با توجه به وضعیت موجود در قرن پنجم پیش از میلاد تنها مکانیزمی بوده که به موجب آن فرصت برابر برای تمام شهروندان (در امر قضا) تضمین می‌گشته است و به وسیله‌ی آن راه بر اعمال نفوذ اصحاب سیاسی و گروه‌های غیر دموکراتیک سد می‌شده است. با وجود این، این ادعای ارسطو از سوی بسیاری نویسندگان معاصر مورد تردید قرار گرفته است.

اگرچه براساس اصلاحات سولون ریاست بر حکومت منحصر به طبقه‌ی اشراف (یعنی ملاکان ثروتمند) بود اما مردم در قالب تجمعات خاصی در روند تصمیم‌گیری سهیم بودند و این بنیادی‌ترین تغییر سولون در ساختار سیاسی سنتی یونان بود.^{۳۹} او یک شورای عمومی با چهارصد عضو (یکصد عضو از هر قبیله)^{۴۰} پدید آورد که در عرض شورای انحصاری‌تر، یعنی آریوپاگوس^{۴۱} عمل می‌کرد. این ترتیبات، اساس و بنیان شورای پانصد نفره در اواخر قرن پنجم و شورای عمومی شد که در زمان خود به عنوان رکن نهایی اجرایی در آتن و نیز تعیین‌کننده کلیه وظایف نهادهای عمومی و دولتی عمل می‌کرد.

کارکرد اصلی شورای جدید سولون استماع فرجام‌خواهی‌ها بود. سولون دو تغییر مهم در آیین دادرسی در این خصوص به وجود آورد. اول آن که هر کس که مایل بود می‌توانست از سوی طرف زیان‌دیده اقامه‌ی دعوا کند و دوم آن که او نهادی حقوقی را بنا نهاد که براساس آن امکان آن وجود داشت که از تصمیم یک قاضی به یک دادگاه با هیئت منصفه‌ی عمومی شکایت برد.^{۴۲} اثر این امر اخیر، یعنی انتقال قدرت تصمیم‌گیری نهایی در امر قضا از دستان قضات (که از اشراف بودند) به دستان مردم، در واقع معرف عنصر مهم جدیدی در ساختار حکومت بود. این عنصر همانا، «پاسخ‌گویی» است. این اصلاح ساختاری، در واقع منشا دادگاه‌هایی با هیئت منصفه‌ی پرتعداد که از میان عامه‌ی مردم انتخاب می‌شدند بود که به همراه شورای عمومی، مهم‌ترین منابع قدرت مردم در دموکراسی آتن بودند. مجموعه قوانین سولون مجموعه‌ای تفصیلی بود که تمام شاخه‌های

39. Murray, *op.cit.*, n.20.

۴۰. قبیله یا "Phyla" واحد ابتدایی جامعه و دموکراسی آتن بود که بر اساس پیوندهای خونی و مالکیت زمین شکل می‌گرفت.

41. Areopagus.

۴۲. ارسطو این اقدامات را به عنوان دومین و سومین اصلاحات دموکراتیک سولون برمی‌شمرد.

Aristotle, *Constitution of the Athenians op.cit.*, 9; See also: Murray *op.cit.*, n.20.

حقوق را تحت پوشش داشت: حقوق جزا (قتل، سرقت و تجاوز)، سیاسی (خیانت به مملکت، درخواست عفو از تبعید و...)، اخلاق حسنه (مانند روسپی گری، ولگردی، اهانت به مرده)، حقوق خانواده (مشروعیت مولد، ازدواج، ارث، فرزندخواندگی)، شبه جرم، ادله-ی اثبات دعوا، حقوق تجارت، حقوق اراضی (حدود اراضی، مهاریات) و حقوق شرعی.^{۴۳} با تعمق در این مجموعه قوانین در می یابیم که تمام آن ها بر اساس منطقی خاص و به منظور حل یک سری از مشکلات اجتماعی و ایجاد حد کنترل شده ای از آزادی از سنن گذشته به وجود آمده اند.^{۴۴} در اصل، مجموعه قوانین سولون به نحوی تنظیم شده بود که حد و مرز عادلانه ای بین افراد پدید آورد تا از تعارض جلوگیری کند. مع ذلک، در تضاد با نظام های سیاسی امروزی، هیچ نوع مفهومی از تفکیک قوا در نظام حقوق اساسی یونان، چه در نظر و چه در عمل، وجود نداشت.

شوراها و مجامعی که سیاست گذاری می کردند و یا قانون تصویب می کردند خود نیز عملاً به عنوان دادگاه های مجری قانون عمل می نمودند.^{۴۵} وانگهی، داروغه ها و مامورین اجرا معمولاً به عنوان قاضی و نیز به عنوان قانون گذار هم عمل می کردند.

پایه گذاری دموکراسی در آتن

مجموعه قوانین سولون در تمام طول دوره ی دموکراسی در آتن، اساس و پایه ی قوانین آتنی بودند. با وجود این، در سال های بعدی بسیاری اصلاحات سیاسی به شکست انجامید. از جمله علل این امر، آن بود که قضات خود با این اصلاحات به شدت دشمنی

43. *Ibid.*

۴۴. به عنوان مثال و بنا بر قول پلوتارک در «*Plutarch, Lives (Solon, 21)*» افرادی که فاقد فرزند ذکور بودند می توانستند به هر نحو که بخواهند املاک خود را به دیگران منتقل کنند. این امر جدایی مهمی از سنن محسوب می شد چرا که به موجب سنت، محروم کردن خانواده از زمین های موروثی پذیرفتنی نبود.

45. Todd, *op.cit.*, n.14.

می کردند و از سوی دیگر گروه های مختلف سیاسی بر اساس تقسیمات ارضی پدید آمدند. در ۵۶۱ قبل از میلاد، پیسیستراتوس^{۴۶} (رهبر یکی از این گروه ها) قدرت را به عنوان یک دیکتاتور قبضه کرد اما توسط دیگران از صحنه بیرون رانده شد.^{۴۷} این وضع تا سال ۵۰۷ قبل از میلاد باقی ماند تا سرانجام کلیستنس ضمن اصلاحاتش قدرت اشراف را برای همیشه درهم شکست. اگرچه اصلاحات سولون نسبت به زمان خود بیش از حد پیش رو محسوب می شد اما همین اصلاحات بود که زمینه را برای نظامی که کلیستنس معرفی کرد مهیا کرد. نظامی که به قول هرودوت مردم را به مشارکت طلبید.

به دنبال اصلاحات کلیستنس، مشارکت شهروندان به اشکال ذیل سازمان یافت:

- تمام شهروندان عضو یکی از یکصد و سی و نه دم^{۴۸} (مناطق محلی) بودند که نام جد پدری شان در ۵۰۸-۵۰۷ قبل از میلاد، در آن ثبت شده بود (و بسیاری هنوز در آنجا زندگی می کردند).
- نمایندگان شورای پانصد نفره (بوله^{۴۹}) که به معنای پنجاه عضو از هر تبار بود و شش هزار نفر اعضای هیئت های منصفه از میان هر محله و هر تبار (خانواده) انتخاب می شدند. نمایندگان و اعضای هیئت منصفه از میان فهرست هایی که هر ساله از میان کاندیداها در محلات تهیه می شد، توسط عامه ی مردم انتخاب می شدند.

46. Peisistratos.

47. Martin, T.R., *Ancient Greece from Prehistory to Hellenistic Times*, Yale University Press, 1996.

48. Deme.

49. Boulē.

- هر شهروند که سن او بیست سال یا بیش تر بود، می توانست در گردهمایی های عمومی شورا (اکلیسیا^{۵۱}) که در مهم ترین امور دولت شهر تصمیم گیری می نمود، شرکت کند.^{۵۱}

البته مشارکت فعال در دموکراسی نیازمند حضور فراوان در شهر و صرف وقت و منابع کافی برای شرکت در گردهمایی ها بود. اگرچه بسیاری از آتنی ها ملاکان بزرگ و کوچک بودند اما شمار قابل توجهی از صنعت گران، بازرگانان دریایی و خرده فروشان هم در آتن زندگی می کردند. در قرن پنجم پیش از میلاد تنها حدود شش هزار نفر^{۵۲} می توانستند در تپه ی پنکسی^{۵۳} که محل اجتماع و تشکیل شورای عمومی بود حاضر شوند و بنابراین به نظر می رسد اندکی بیش از یک پنجم از شهروندان واجد شرایط، حد نصاب لازم برای تصمیم گیری در امور را تشکیل می دادند. در آن زمان روند دموکراتیک برابر بود با اجتماع و شور «مردم» و براساس قانون در آن زمان، هرماه یک شورای عمومی تشکیل می شد. براساس اطلاعات موجود، به نظر می رسد که شورا تا حد قابل قبولی موفق به جذب اقشار و طبقات مختلف مردم شده بود و بنابراین روی هم رفته اکثریت شهروندان در شورای عمومی نماینده ای داشته اند.^{۵۴}

اعضای شورای پانصد نفره، مانند قضات می بایست حداقل سی سال سن می داشتند و هیچ عضوی از شورا نمی توانست بیش از دو دوره به عضویت شورا درآید و این دو دوره

50. Ekklesia.

51. Fisher, N., «Politics and Public Life: the Urban Scene», Ch.7 in D. Sansome, *Ancient Greek Civilization*, Blackwell, 2004.

۵۲. شش هزار نفر هم چنین شمار آرایبی بود که این سال ها برای حکم به نفی بلد لازم بود.

53. Pnxy.

54. Fisher, *op.cit.*, n.53.

نمی‌بایست متوالی باشد. میانگین سن اعضای شورا چهل سال بود و بین یک سوم تا یک دوم شهروندان باید دست کم یک بار عضو شورا می‌شدند تا این نظام به درستی عمل کند. اعضای شورا مسئولیت‌های سنگینی داشتند که به شرح ذیل بود:

- آماده‌سازی امور و دستور جلسه‌ی شورای عمومی؛
- اداره‌ی جلسات شورای عمومی؛
- مدیریت بر بسیاری از امور اداری و مالی.

شورای پانصد نفره در هر سال حدود سیصد جلسه داشت و اعضا فقط در اعیاد عمومی به مرخصی می‌رفتند. وانگهی تمامی اعضای شورا پیش از انتصاب، مورد گزینش و تحقیق کامل قرار می‌گرفتند (دکیمازیا^{۵۵}) و رفتار ایشان پس از انتصاب هم زیر نظر بود (یوتونا^{۵۶}).^{۵۷}

هر سال، شش هزار عضو هیئت منصفه انتخاب و در هیئت منصفه‌های مختلفی منصوب می‌شدند. این هیئت منصفه‌ها از حیث تعداد اعضا (براساس پرونده‌ی تحت بررسی) با هم متفاوت بودند اما نوعاً تعداد اعضای یک هیئت منصفه پانصد و یک نفر بود. اعضای هیئت منصفه قدرتی دست کم به اندازه‌ی اعضای شورای عمومی داشتند و نظر ایشان به عنوان "نظر مردم" تلقی می‌شد. دادگاه‌ها، هم به پرونده‌های متعددی که به روشنی «سیاسی» بودند و هم به اختلافات خصوصی رسیدگی می‌نمودند. دادگاه مردم بر فعالیت‌های انجام گرفته در شورای عمومی هم نظارت داشت به ویژه این دادگاه قدرت آن

55. Dokimasia.

56. Euthuna.

57. Fisher, *op.cit.*, n. 53.

را داشت که اگر فردی در شورای عمومی طرحی را برخلاف قانون پیشنهاد کند (*Graphē paranomon*) وی را بنا به درخواست هر شهروندی، تحت تعقیب قرار دهد.^{۵۸}

نکته‌ی جالب توجه در این میان، این است که خود اعضای هیئت منصفه به خاطر تصمیماتی که اتخاذ می‌کردند مورد سوال یا بازخواست قرار نمی‌گرفتند. اعضای هیئت منصفه می‌بایست دست کم سی سال سن داشته باشند و تقریباً نماینده‌ی جامعه‌ی شهروندان به عنوان یک کل واحد به شمار می‌آمدند.^{۵۹}

پرداخت دستمزد به هیئت منصفه پس از سال ۴۵۰ و به دنبال نیاز به هیئت منصفه‌های بزرگ‌تر با تعداد جلسات بیش‌تر براساس اصلاحات حقوقی/فیاتلس^{۶۰} (در سال ۴۶۲ قبل از میلاد) متداول شد. این امر شاید در پاسخ به این مشکل بود که جلب نظر داوطلبین کافی برای عضویت در هیئت منصفه دشوار بود و احتمالاً به این ترتیب تعداد بیش‌تری از شهروندان فقیر به خدمت در هیئت منصفه علاقه‌مند می‌شدند. به نوبه‌ی خود شاید این امر توضیحی باشد که چرا این ابتکار (پرداخت دستمزد به هیئت منصفه) به عنوان این که بنیان‌گذار نوعی از ارتشا بود، مورد حمله قرار گرفت.^{۶۱} اعضای شوراهای پانصد نفره و قضات به سبب وظایف سنگین اجرایی خود از سوی دولت در اواسط قرن پنجم پیش از میلاد

58. *Ibid.*

۵۹. *اریستوفانس* در نمایش‌نامه‌اش با نام "زن‌بورها" (*Wasps*) این ایده را بیان می‌کند که خدمت در هیئت منصفه بیش‌تر برای افراد کهن سال جذاب است، چرا که با توجه به احترام سنتی که در جامعه برای سن و تجربه‌ی ایشان وجود دارد و با توجه به اوقات فراغت بیش‌تر ایشان، این شغل برای افراد کهن سال مناسب‌تر است.

60. *Ephialtes*.

۶۱. *اریستوفانس* در "زن‌بورها" هیئت منصفه‌ی زمان خود را به هجو می‌گیرد و از ایشان به عنوان پیرمردانی یاد می‌کند که خشم‌گینانه از همدلی با متهم (که عموماً از طبقه‌ی اشراف بودند) خودداری ورزیده و به شخص کلئون وفادارند چرا که او می‌تواند حقوق و دستمزد ایشان را افزایش دهد.

حقوق دریافت می کردند. هم چنین حاضرین در جلسات شورای عمومی پس از سال ۴۲۱ قبل از میلاد مستحق دریافت اجرت تشخیص داده شدند.^{۶۲}

شهروندان آتنی نسبت به این سیستم سیاسی به میزان زیادی متعهد بودند چرا که بسیاری از مردم عادی در روند تصمیم گیری و اداره دولت شهر مشارکت داشتند.^{۶۳} این میزان مشارکت فی نفسه نشان می دهد که شهروندان آتنی نظام سیاسی آتن را از آن خود می دانستند و این نظام، روی هم رفته، پاسخ گوی نیازهای ایشان بوده است. دموکراسی، آن چنان که در آتن تکامل یافت، آرام آرام این باور را پدید آورد که تصمیم گیری در امور عمومی نیازمند هیچ نوع تخصص ویژه ای نیست و صحت و معقول بودن تصمیمات در گرو تعداد زیاد تصمیم گیرندگان و استفاده از نظرات عامه ای مردم است.^{۶۴}

در این دوره طبقه ای از نخبگان از میان اشرافی به وجود آمد که زندگی مرفهی داشته و به تن آسایی مشغول بودند اما از حیث مشارکت مالی و کمک های اقتصادی شان برای نظام، واجد اهمیت فراوان بودند.^{۶۵} اکثر آتنی ها هیچ نوع مالیات بر درآمد یا مالیات بر دارایی ثابت نمی پرداختند و تنها دو تا سه هزار نفر از ثروتمندترین مردم آتن (به طور نامرتب و هر از چندگاه) مسئول پرداخت مالیات بر املاک و دارایی ثابت بودند

62. Davies, J.K., *Democracy and Classical Greece*, Fontana/Collins, 1989.

63. Murray, *op.cit.*, n.20.

64. Davies, *op.cit.*, n.64.

۶۵. پلوتارک در اثرش "زندگی ها" آتن را در اواسط سده ی پنجم پیش از میلاد (به منظور نشان دادن زندگی سطح بالای اغنیا) چنین توصیف می کند: "فقرا قادر به تحمل هزینه ی قربانی ها و اعیاد و هزینه ی احداث معابد نیستند. آن ها قادر به تحمل هزینه ی شهر با شکوهی که در آن زندگی می کنند نیستند؛ از همین رو تدبیری اندیشیده اند تا این امور را برای خود فراهم آورند... زمین های ورزشی و حمام های آن و رختکن ها چیزهایی هستند که اغنیا به طور اختصاصی مالک آن هستند...".

(سیفورا)^{۶۶} هم‌چنین یک هزار و دویست نفر از ثروتمندترین مردم آتن علاوه بر آن وظیفه داشتند که در تشریفات مذهبی مشارکت مالی کرده و در زمان جنگ یا برگزاری جشن‌های ملی (مانند دیونیزیا)^{۶۷} مشارکت شخصی و/یا مشارکت مالی نمایند.^{۶۸} آتنی‌های ثروتمند اغلب ژنرال (ستراتگوا)^{۶۹} می‌شدند؛ از میان ایشان ده نفر انتخاب می‌شد تا وظیفه رهبری سیاسی و نظامی را بر عهده گرفته و در مناظرات عمومی نقش عمده داشته باشند. هم‌چنین در مهم‌ترین محاکمات حقوقی گروهی از این شهروندان افرادی را از میان خود انتخاب می‌کردند که اغلب ثروتمندانی بودند که انجام مناصب دولتی شغل‌شان بود. در قرن پنجم قبل از میلاد، شخصیت‌های برجسته‌ای مانند سیمون^{۷۰}، پریکلس^{۷۱}، کلئون^{۷۲} و آلکسیبایدس^{۷۳}، نقش ژنرال^{۷۴} و خطیب را با هم آمیختند و نه تنها در شورای عمومی طرح‌ها و لوایحی پیشنهاد می‌دادند بلکه در دادگاه‌ها هم به دفاع و اقامه دعوا می‌پرداختند. سخنوری و خطابه در فرهنگ یونان باستان بسیار مورد ستایش بود و چنان‌چه فردی سودای دستیابی به مصادر عالی سیاسی را در سر می‌پروراند بدون شک به این هنر

66. Eisphora.

67. Dionysia.

۶۸. جشن‌های نمایشی به افتخار د/یونیسوس (Dionysus)، یکی از خدایان آتن برگزار می‌شد.

69. Esteratgoia.

70. Cimon.

71. Pericles.

72. Cleon.

73. Alcibiades.

۷۴. این منصب می‌توانست اساس قدرت فردی باشد. در واقع منصب ژنرالی از ۴۴۳ تا ۴۳۹ قبل از میلاد بود که سبب تفوق پریکلس در عرصه‌ی سیاسی آتن در آن دوران شد.

احتیاج داشت.^{۷۵} باتوجه به نقش مرکزی شورای عمومی در سیاست آتن، برای یک فرد عوام‌فریب که سخنوری و خطابه می‌دانست، میسر بود که با استفاده از این فن، صاحب نفوذ شود.^{۷۶} مع ذلک، دایره‌ی ابتکارات فردی ژنرال‌ها محدود بود و چنانچه پیشنهادهای آن‌ها با شکست روبه‌رو می‌شد در خطر محاکمه قرار داشتند. خطبای عوام‌فریب اواخر قرن پنجم و چهارم قبل از میلاد نیز فقط تا آن حد قدرتمند بودند که می‌توانستند شورای عمومی را با استدلال‌ات خود همراه کنند، گرچه آن‌ها نیز در خطر اتهام فریب اذهان عمومی و محاکمه قرار داشتند. این ضمانت‌اجرا به نظر معقول می‌رسید چرا که منافع اشتغال به مناصب سیاسی قابل توجه بود.^{۷۷}

زمانی که آشکار شد امور مربوط به دولت نمی‌تواند توسط شورایی با چند هزار نفر عضو، یا حتی به وسیله‌ی کل شورای پانصد نفره، به نحو موثری تمشیت شود، توزیع و تقسیم مناصب عمومی در میان گروه بزرگی از قضات در آتن آغاز شد. در این مورد هم باز انتخاب ایشان توسط عامه‌ی مردم انجام می‌شد و امکان بازرسی و پاسخ‌گویی مستقیم به

75. See: Dover, K., «The Spoken and The Written Word,» Ch.9 in D. Sansome, *Ancient Greek Civilization*, Blackwell, 2004; Hanson, M.A., *Athenian Democracy in the Age of Demosthenes*, Blackwell, 1991.

۷۶. کلئون که به شغل دباغی اشتغال داشت، نخستین سیاست‌مدار عوام‌فریب آتن بود که پس از افول قدرت پریکلس ظهور کرد. آریستوفانس که فردی متکبر بود کلئون را به عنوان "موجودی بدبو از کسب و کاری متعفن" توصیف کرد و توکیدیدس او را متهم می‌کرد که جنگ طلب است تا اعمال منفی خود را پنهان دارد.

77. Ober J., *Mass and Elite in Democratic Athens: Rhetoric, Ideology and the Power of the People*, Princeton University Press, 1989.

کاهش احتمال فساد در میان این افراد کمک می‌کرد. نفوذ قضات مقتدر در آتن با اصلاحات کلیستنس تا حد زیادی کاهش یافت اما پس از اصلاحات/فیلتس در سال ۴۶۲ قبل از میلاد بود که قضات قدرت قضایی‌شان را نیز از دست دادند. در مقابل، قضات در دولت‌شهرهای دیگر یونان باستان نفوذ سیاسی بسیار بیشتری داشتند (مانند/فورس در اسپارت)^{۷۸}. نکته‌ی جالب این است که مردم آتن به شدت محتاط بودند که مبادا امور دولت برای مدت طولانی در دست رهبر واحدی باقی بماند. هم از این‌رو ترتیبی کلاسیک اتخاذ شد که به موجب آن شورای پانصد نفره به ده شعبه‌ی پنجاه نفره تقسیم شد که هریک از آن‌ها مسئول امور دولت به مدت یک‌دهم از سال بودند.

در قرن پنجم قبل از میلاد، در هریک از این شعبه‌ها یک کمیته‌ی کوچک‌تر، ریسی را برای یک روز انتخاب می‌کرد تا ریاست شورای پانصد نفره یا شورای عمومی را، اگر شورا در زمان ریاست او تشکیل می‌شد، بر عهده بگیرد. این ترتیبات نشان دهنده‌ی عزم راسخ دموکراسی بود تا به هیچ کس اجازه‌ی نفوذ ناروا را ندهد حتی اگر این امر منجر به عدم تداوم در امور دولتی شود و این خطر را به دنبال داشته باشد که نشست‌های مهم توسط ریسی بی‌کفایت اداره شود. شاهد دیگر بر بی‌اعتمادی نظام و واهمه‌ی آن از نفوذ قضات این است که چنانچه عملکرد قضات در بازنگری‌های ماهیانه، رضایت‌بخش تشخیص داده نمی‌شد ایشان توسط شورای پانصد نفره حتی در طول خدمت، از کار برکنار می‌گردیدند. هیچ نوع سلسله‌مراتبی بین قضات وجود نداشت و هر قاضی مستقیمی و به تنهایی در برابر شورای عمومی و شورای پانصد نفره پاسخ‌گو بود.^{۷۹}

۷۸. او حتی قدرت آن را داشت که در وضعیت فوق‌العاده شاه را دستگیر کند. قضات اسپارت هم‌چنین مسئول پذیرش نمایندگان سیاسی خارجی بوده و در جلسات شورا (Gerousia) شرکت می‌کردند.

79. Fisher, *op.cit.*, n.53.

این نکته درخور توجه است که زمانی که دولت شهرهای دیگر شروع به تقلید از نظام هیئت منصفه‌ی آتن کردند، ناگزیر از اقتباس نظام دموکراتیک آن هم بودند. این مسئله، ارتباط نزدیک بین نظام دموکراتیک آتن و شیوه‌ای که دادگاه‌های آن شهر اتخاذ کرده بودند را نشان می‌دهد. استفاده از هیئت منصفه‌ی پرتعداد که توسط عامه‌ی مردم انتخاب می‌شدند در واقع در راستای باور عمومی‌ای بود که در بطن دموکراسی آتن قرار داشت. این باور عمومی همانا اعتماد به خرد جمعی و عدم فساد عامه‌ی شهروندان، به جای تکیه بر اغنیا و قدرتمندان بود. تصمیمات سیاسی در آتن پس از مناظرات پرجنجال در شورای عمومی اتخاذ می‌شد و این به آن معنا بود که در آتن نه «دولت» در معنای امروزی آن وجود داشت و نه هیچ گروه سازمان‌یافته‌ای (مانند احزاب امروزی) که قدرت به مدت طولانی به ایشان تفویض شود. در واقع در نظام آتن رای‌دهندگان نه فقط در زمان انتخابات بلکه (برخلاف دموکراسی‌های امروزی) در تمام ایام و در تصمیم‌گیری‌های روزمره مورد مشاوره قرار گرفته و بر دولت کنترل داشتند.^{۸۰} در آتن هرکس فقط تا زمانی بر مسندش تکیه می‌زد که می‌توانست شورای عمومی را توجیه و با خود همراه کند و این فرد باید به جلب نظر حضار در شورای عمومی که اعضای آن دایما در حال تغییر بودند ادامه دهد. به همین جهت است که یافتن مرکز قدرت در آتن امر دشواری است و جدای از این امر که تصمیمات شورای عمومی، نهایی محسوب می‌شدند، هیچ مرکز قدرتی را نمی‌توان در آتن مشخص نمود.

آرای مخالفین، دموکراسی در برابر الیگارشی

نباید تصور کرد که نظام دموکراتیک، بدون قید و شرط مورد قبول تمام شهروندان بود یا هرگز به چالش کشیده نشد. / اریستوفانس در نمایش‌نامه‌هایش از جمله «زنبورها» بی

80. Ibid.

مهابا سیاستمداران برجسته‌ی آن زمان، و مهم‌تر از آن خود نظام دموکراتیک را مورد هجو قرار می‌داد. البته «خود انتقادی» در هر نظام سیاسی بسیار مفید است و می‌توان درجه آزادی بیان در هر نظام سیاسی را از میزان تحمل منتقدان نظام توسط حکومت، سنجید. بی‌شک از این نظر دموکراسی آتن جایگاه والایی دارد. با وجود این، همین انتقادات ممکن است نشانه‌ای از نارضایتی‌هایی از سیستم حکومتی باشد که باید مورد توجه قرار گیرد. جای تعجب نیست که اغلب نارضایتی‌ها از دموکراسی آتن مربوط به طبقه‌ی ثروتمندان بود.

این امر که در آتن بار سنگین مالیات و سایر مشارکت‌های مالی بر دوش عده‌ای از اغنیا بود اما در مقابل، این طبقه از قدرتی که اشراف در سایر دولت‌شهرها براساس نظام الیگارشی داشتند محروم بودند، سبب رنجش شدید عده‌ای از اغنیا شده بود.^{۸۱} وانگهی در میان اغنیا نگرانی جدی وجود داشت مبنی بر این که ایشان در دادگاه‌ها در برابر تصمیماتی که علیه منافع‌شان اتخاذ می‌شود شدیداً آسیب پذیرند، چرا که تصمیمات توسط مردمی گرفته می‌شد که نماینده‌ی منافع اجتماعی و سیاسی کاملاً متفاوتی بودند.^{۸۲} آن چنان که در بالا اشاره شد دموکراسی آتن نماینده‌ی توازن ویژه‌ای بین منافع گروه‌های مختلف بود و چنین وضعیتی همیشه در برابر بعضی شرایط داخلی یا خارجی، مانند فعالیت‌های عوام‌فریبان و یا جنگ، آسیب‌پذیر است و به ورطه‌ی بی‌ثباتی می‌افتد.

۸۱. این دیدگاه توسط زنونفون در اثرش با نام «Oikonomia» بیان شده است.

See: Xenophon, *Oikonomia* (Economics) (trans: R.A. Warner), Penguin, 1977, at 2. 5-2. 7.

82. Fisher, *op.cit.*, n.53.

پس از دومین دوره ی جنگ های داخلی بین دولت شهرهای یونان (۴۳۱-۴۲۱ قبل از میلاد) اکثر اقشار تحصیل کرده در آتن نسبت به دموکراسی بدبین و بی اعتماد شده بودند. با وجود این، هر نوع اصلاحی باید هم چنان در جامعه ی دموکراسی سامان داده می شد و ظاهری دموکراتیک داشت حتی اگر هدف غایی آن بنا نهادن یک نظام الیگارش (حکومت ثروتمندان) بود.^{۸۳} در اواخر قرن پنجم قبل از میلاد طبقات مرفه جامعه شروع به سامان دادن خود به شکل گروه های مخفی طرفدار الیگارش کردند که این امر منجر به یک دوره ی حکومت اشراف که سرشار از قتل و وحشت بود شد؛ هم چنین این تلاش ها منجر به انقلاب اشراف در ۴۱۱ قبل از میلاد شد.^{۸۴} مردم عادی از کشف این واقعیت که چه تعداد از رهبران منتخب آنان (ژنرال ها و اراتورها) طرفدار حکومت اشراف هستند بسیار وحشت کردند ولی به هر رو، حکومت دموکراسی در سال ۴۱۰ قبل از میلاد دیگر بار برقرار شد.

حکومت اشراف در آتن دوباره در سال ۴۰۴ قبل از میلاد برقرار شد ولی این بار نیز مانند تلاش قبلی با شکست روبه رو شد (و در سال ۴۰۳ قبل از میلاد سرنگون شد). به این ترتیب ثابت شد که در میان اکثر مردم آتن تمایل اندکی برای پذیرش این نوع از حکومت وجود دارد. با وجود این، این اتفاقات اثر سوء خود را بر جای نهاد و دموکراسی هرگز به روزهای طلایی خود در آتن باز نگشت.^{۸۵} تنش میان فقرا و اغنیا هم چنان باقی ماند و ارسطو در نیمه ی قرن چهارم پیش از میلاد، در نوشته های خود چنین فرض کرد که همواره دو جبهه ی سیاسی مخالف باقی خواهند ماند و هدف فقرا در دموکراسی همیشه غارت ثروتمندان تا حد امکان است. این در واقع آوای هراسناک اغنیا بود که در آتن خود را در

83. Bury, B., and Meiggs, R., *A History of Greece*, 4th edition, MacMillan Press, 1978.

84. *Ibid.*

85. Martin *op.cit.* n.49.

برابر آرای دادگاه‌هایی می‌دیدند که به لحاظ سیاسی و حتی اقتصادی بر علیه ایشان برانگیخته شده بودند.

در حقیقت، خطر اصلی از جانب خبرچین‌های حرفه‌ای که مشهور به "سیکوفانت"^{۸۶} بودند برمی‌خاست. این افراد نماینده‌ی کریه‌ترین جنبه‌ی دموکراسی آتن بودند. این افراد به صورت شیاطین بدنامی در نمایش‌نامه‌های *اریستوفانس* (که در حدود سال ۴۲۵ قبل از میلاد اجرا می‌شد) ظاهر می‌شدند که کارشان اخاذی از ثروتمندان از راه تهدید آنها به اقامه‌ی دعوا علیه ایشان بود.^{۸۷} دو جنبه از نظام حقوقی آتن به ایشان امکان عمل به چنین شیوه‌ای را می‌داد: اولاً رسیدگی قضایی همیشه توسط طرف زیان‌دیده شروع می‌شد، حتی در دعوایی که جنبه‌ی عمومی داشت؛ ثانیاً این هیئت منصفه بود که (اگر در قانون مجازات معینی تعیین نشده بود) به پرونده رسیدگی و مجازات را تعیین می‌کرد. معمولاً هیئت منصفه از صدها (اگر نه هزاران) فرد عادی تشکیل می‌شد که به طور طبیعی علیه منافع افراد فوق‌العاده ثروتمند موضع‌گیری می‌کردند.^{۸۸}

نویسندگان سده‌ی چهارم و پنجم پیش از میلاد، محتوای سه نوع نظام حکومتی اصلی دولت‌شهرهای یونان یعنی دیکتاتوری، دموکراسی و الیگارش‌ی را با هم مقایسه می‌کردند. دیکتاتور^{۸۹} فردی است که قدرت را بدون هیچ گونه ادعای توارث (در زمینه‌ی قدرت) قبضه کرده است. باید توجه شود که دیکتاتورها اکثراً در آغاز کار به عنوان رهبران انقلابی

86. Sycophants.

87. Andrewes, *op.cit.*, n.19 at p.198.

88. Todd, *op.cit.*, n.14.

91. Andrewes, *op.cit.*, n.19.

در مکالمه‌ای بین پریکلس و آلسیپادس که زنونفون ادعا می‌کند آن را کلمه به کلمه به خاطر می‌آورد و موضوع آن حکومت قانون بوده است، تمام این سه نوع نظام مورد تشکیک قرار می‌گیرند.

علیه حاکمان سرکوب گر از طبقه‌ی اشراف مورد استقبال قرار می‌گرفتند.^{۹۰} الیگارش‌ی در لغت به معنای حکومت توسط گروه معدودی است؛ در الیگارش‌ی‌های قرن چهارم و پنجم قبل از میلاد این امتیاز منحصر به معدودی از ثروتمندان با میزان به خصوصی از ثروت بود و تنها ایشان بودند که می‌توانستند در سیاست و قانون‌گذاری مشارکت کنند.^{۹۱} ارسطو نیز به نوبه‌ی خود، حکومت‌های مشروطه را به دو گروه تقسیم کرد: آن‌ها که بر اساس قانون عمل می‌کردند و آن‌ها که فراقانونی عمل می‌کردند. بنابراین هریک از این اشکال حکومتی (حکومت توسط یک نفر، حکومت توسط گروهی اندک یا حکومت توسط اکثریت) می‌تواند به صورت حکومتی سالم یا به صورت حکومتی فاسد اداره شود.^{۹۲}

نویسندگان طرفدار حکومت الیگارش‌ی در آتن در سده‌ی چهارم در طلب بازگرداندن روزهای طلایی گذشته در زمانی بودند که دموکراسی هنوز فاسد نشده بود؛ اما در واقع ایشان در آرزوی روزهای قبل از ظهور دموکراسی بودند، زمانی که آرکون‌های ثروتمند و نمایندگان شورا امور حکومتی را در سیطره‌ی خود داشتند.^{۹۳} برای مثال افلاطون پرداخت هزینه برای خدمات عمومی را اهانت‌آمیز می‌دانست و آرزوی روزهای خوب

۹۰. به عنوان مثال می‌توان به سیپسلوس (Cypselos) اشاره کرد که در ۶۵۰ قبل از میلاد در کرینث حکومت باکیادانه (Bacchiadae) را سرنگون کرد و تمام اشراف را کشت و اموال‌شان را مصادره کرد. سال‌ها بعد از آن زمان بود که واژه‌ی دیکتاتور بار معنایی منفی یافت.

۹۱. اسپارت نه تنها شهروندان خود را مجبور می‌کرد که وظایف مالی خود را (در مورد هزینه‌های اداره‌ی حکومت) به جامعه‌ی خود به جای آورند بلکه فراتر از آن شهروندان باید دوره‌ی سخت آموزش‌های نظامی را که تمام جوانان اسپارتنی مشمول آن بودند را به پایان برسانند. برای مطالعه‌ی بیش‌تر در مورد این سه نظام رک.

Andrewes, *op.cit.*, n.19 at Ch.9; Martin, *op.cit.*, n. 49.

۹۲. ارسطو در اثر خود «سیاست» به این مطالب اشاره دارد.

93. Andrewes, *op.cit.*, n.19 at Ch 10.

گذشته را داشت، زمانی که خدمات عمومی رایگان توسط فضلا ارایه می شد. با وجود این، به مانند دموکراسی های امروزی پرداخت چنین هزینه هایی برای آن که حکومت قادر باشد به طور کامل وظایف خود را انجام دهد ضروری بود. طرف داران الیگارشسی همواره به عدم پیوستگی و تداوم (در تصمیمات) به عنوان ضعف دموکراسی اشاره داشتند و به جای آن "نظم مطلوب" خود در نظام الیگارشسی را می طلبیدند؛ یعنی جایی که طبقه ی ثروتمند جامعه به عنوان بهترین مردم (یا عنوانی مشابه آن) امور دولتی را بر عهده می گرفتند.^{۹۴} در اواخر قرن پنجم پیش از میلاد در آتن هیئت منصفه های مردمی از سوی طرف داران حکومت الیگارشسی به تضعیف قدرت اغنیا از طریق اتخاذ تصمیمات علیه منافع ایشان متهم شدند.

در عین حال طرف داران حکومت اشراف، شورای عمومی را نیز متهم می کردند که عملا سعی در کاهش قدرت اشراف دارد و برای مثال به تبعید یا اخراج اعضای برجسته ی طبقه ی اعیان رای می دهد.^{۹۵}

آتن باستان: مدلی برای دموکراسی های امروزی؟

زمانی که به بررسی میزان دموکراتیک بودن نظام سیاسی آتن باستان می پردازیم، این مسئله باید همواره در یاد ما باشد که این دموکراسی منحصر به شهروندان مذکر بزرگسال آتنی بوده است.

۹۴. افلاطون و ارسطو هر دو الیگارشسی (نظام حکومت اشراف) را بر دموکراسی ترجیح می دادند.
 ۹۵. برای مثال افلاطون می نویسد: «اگر اشراف و طبقه ی مرفه جامعه در شهرها تفوق یابند، عمر حکومت مردم در آتن کوتاه می گردد. از همین روست که آن ها اشراف و نجیب زادگان را به بند می کشند، جریمه می کنند، تبعید می نمایند و به کام مرگ می فرستند و طبقات پایین و فرودست را تهییج و تشویق می کنند.»
 به نقل از:

Burn A.R., *The Pelican History of Greece* Pelican Books, at p.245.

شمار این افراد در آتن به طور میانگین سی هزار نفر بوده و احتمالاً در نیمه‌ی قرن پنجم به بیش از پنجاه هزار نفر رسیده است. بنابراین شهروندان گروه نخبه‌ای را تشکیل می‌دادند، در حالی که سایر افراد جامعه شامل زنان، کودکان و ساکنین غیر آتنی (متو/کو)^{۹۶} و بردگان طبقه‌ی پست‌تری را تشکیل می‌دادند که یا فاقد هر حقی بوده یا حقوق‌شان بسیار محدود بود.^{۹۷} در آتن هم‌چنین چند هزار برده در نوبت‌های کاری پنج ساعته در معادن نقره لاریون کار می‌کردند و اگر شهادت این برده‌ها در دادگاه لازم می‌شد این شهادت پس از کسب اجازه از صاحب برده، باید تحت شکنجه اخذ می‌شد (این امر معمولاً اجازه داده نمی‌شد).^{۹۸}

این محدودیت در شهروندی، خود پیش‌شرطی برای نظام سیاسی آتن بود که این نظام بدون آن قادر به عمل نبود: اولاً، به لحاظ عملی، این نظام فقط با تعداد کافی (اما نه زیاد) شهروندانی عمل می‌کرد که قادر به مشارکت فعالانه در آن بودند؛ ثانیاً نظام اقتصادی، و به تبع آن نظام سیاسی، کاملاً برپایه‌ی وجود بردگان و سایر گروه‌های کارگری موجود بنا شده بود که به طور کلی فاقد حقوق یا صاحب حقوق اندکی بودند. از همین رو به هنگام مطالعه‌ی دموکراسی در آتن باستان باید میان دو جنبه تفکیک قایل شویم؛ از یک سو ما با نهادهای دموکراتیک و فلسفه‌ی وجودی آن‌ها روبه‌رو هستیم

96. *Metoikoi*.

97. Burn, *op.cit.*, at p.245; Fisher, *op.cit.*, n.53.

برای مشاهده‌ی اطلاعات بیش‌تر در مورد وضعیت زنان در یونان باستان رک.

Lefkowitz, M.R., and Flint, M.B., *Women's Life in Greece and Rome: A Sourcebook*, Baltimore, 1982.

98. Andrewes, *op.cit.*, n.19.

که در بسیاری موارد نسبت به زمان خود بسیار پیش‌رو و امروزی محسوب می‌شدند، و از طرف دیگر ما با عدم تساوی و نابرابری عمیق (و عدم دسترسی و رفتار برابر براساس قانون) در جامعه‌ای روبه‌رو هستیم که این نهادها در آن عمل می‌کردند.

همین نکته است که تناقض آشکار در دموکراسی آتن را نشان می‌دهد و دقیقاً به همین دلیل است که دموکراسی آتن هرگز نمی‌تواند به عنوان مدلی برای دموکراسی‌های امروزی، چه به لحاظ فلسفی و چه به لحاظ عملی، محسوب شود. هیچ جامعه‌ی مدرنی نمی‌تواند این حد از محدودیت در حقوق شهروندی را برتابد و به ویژه برده‌داری و نظام رعیتی را بپذیرد. وانگهی جوامعی که آن قدر کوچک باشند که مدل نظام آتن در آن به خوبی اجرا شود بسیار اندک هستند (اگر اصولاً در جهان امروز هنوز وجود داشته باشند).

مع‌هذا این امور باعث نمی‌شود که نوآوری‌ها و روی‌کرد پیش‌روی دموکراسی آتن را از یاد ببریم. به خصوص اگر به فضایی که این مدل حکومتی در آن بروز و ظهور یافت توجه کنیم، اهمیت این امر دوچندان می‌شود. مدل دموکراسی آتن با اشکال رایج حکومت در یونان باستان بسیار متفاوت بود. در آن زمان الیگارش‌ی شکل رایج و پذیرفته شده‌ی حکومت در یونان باستان بود (و برای مثال تمام دولت‌شهرهای جامعه‌ی بوئتی به این شکل حکومتی ملتزم بودند). هم‌چنین دیکتاتورها در بعضی دولت‌شهرها (مانند کرینث) حکومت می‌کردند.

اسپارت احتمالاً برخی نهادهای حکومتی مشابه با آتن را اقتباس کرده بود اما در عین حال جامعه‌ای بسته بود که بر اساس قواعد نظامی اداره می‌شد و به طرز شگفت‌آوری با شهروندانش با خشونت رفتار می‌کرد.^{۹۹}

۹۹. برای کسب اطلاعات بیش‌تر در مورد نظام‌های گوناگون سیاسی قرن ششم و پنجم قبل از میلاد و اطلاع از بستر تاریخی‌شان رک.

نتیجه گیری

اصول عدالت و عدالت اجتماعی که محور دموکراسی آتن باستان بودند هم چنان در دموکراسی های امروزی به حیات خود ادامه می دهند، در حالی که محوریت حکومت قانون در کام یابی این دموکراسی امروز هم در جوامع مدرن طنین دارد. وانگهی لزوم ایجاد تعادل میان طبقات مختلف اجتماعی و گروه های ذینفع، که یک جنبه ی بسیار مهم دموکراسی آتن از آغاز حیات خود بود، مسئله ای است که امروز هم از خلال تجربیات ما در دموکراسی های مدرن قابل مشاهده است.

با وجود این، هرگز نباید فریب این باور را بخوریم که دموکراسی آتن ممکن است بتواند به عنوان مدلی برای دموکراسی در صورتی از صور مدرن آن به کار آید. ابتدای نظام آتن بر مفهوم بسیار محدود شهروندی و نیز اتکای این نظام بر شمار زیاد شهروندان با اوغات فراغت کافی برای خدمت در شورای عمومی یا هیئت منصفه باعث می شود که این نظام در بستر جوامع امروزی غیر قابل استفاده باشد. وانگهی این حقیقت که اقتصاد مبتنی بر برده داری پایه و اساس این نظام را شکل می داده است باعث می گردد که نظام سیاسی آتن در معنای امروزی، تنها مدلی مشابه با یک نظام دموکراتیک تلقی شود. با وجود این، برخی جنبه های نظام آتن- مانند پاسخ گویی صاحب منصبان سیاسی یا تلاش هایی که در جهت محدود کردن سوء استفاده از قدرت در آن صورت می گرفته است- به شدت پیش-رو و امروزی بوده اند.

اگر به این نکته توجه کنیم که نظام آتن نه تنها در قیاس با حکومت های معاصر خود بی مانند بود، بلکه تا قرن ها پس از آن نیز در هیچ جای جهان نظامی که به اندازه نظام آتن

Martin, *op.cit.*, n.49; Burn, *op.cit.*, n.99; and Bury J.B., and Meiggs R., *A History of Greece*, 4th edition, MacMillan Press, 1978.

دموکراتیک باشد به وجود نیامد، اهمیت و شگفت‌انگیزی این جلوه‌ها در نظام آتن دو چندان می‌شود. این امر به تنهایی کافی است تا سبب شود ما نه تنها تجربه‌ی تاریخی نظام سیاسی آتن را ستایش کنیم بلکه بستر فلسفی‌ای که تحقق آن را ممکن ساخت نیز بستانیم. احتمالا اگر آتن فرصت کافی می‌یافت ممکن بود بتواند راه‌حلی برای مشکلات داخلی سیاسی و اجتماعی خود (در نیمه‌ی قرن چهارم پیش از میلاد) بیابد و ممکن بود که نظام دموکراتیک آن دوام و قوام می‌یافت. به هر رو تفوق پادشاهی فیلیپ مقدونی و فرزندش اسکندر سبب شد که آتن هرگز نتواند راهی برای حل این مشکلات بیابد.

فهرست منابع

1. Aristophanes, *Wasps and Peace* (trans: P. Vellacott), Penguin, 1963.
 2. Aristotle, *The Constitution of Athens* (trans: T.A. Sinclair), Penguin, 1975.
 3. Aristotle, *The Politics* (trans: T.A. Sinclair), Penguin, 1977.
 4. Plato, *The Republic* (trans: H.D.P. Lee), Penguin, 1966.
 5. Thucydides, *The History of the Pelopponesian War* (trans: R.A. Warner), Penguin, 1978.
 6. Xenophon, *Oikonomia (Economics)* (trans: R.A. Warner), Penguin, 1977.
- تمام منابع فوق به صورت متن دو زبانه (یونانی و انگلیسی) توسط "Loeb Classical Library" به چاپ رسیده‌اند (Harvard/ London: Heinemann).
7. Andrewes, A., *Greek Society*, Pelican Books, 1975.
 8. Burn, A.R., *The Pelican History of Greece*, Pelican Books.
 9. Bury, J.B., and Meiggs, R., *A History of Greece*, 4th edition, MacMillan Press, 1978.
 10. Cohen, D., *Law, Sexuality and Society: The Enforcement of Morals in Classical Athens*, Oxford University Press, 1991.
 11. Davies, J.K., *Democracy and Classical Greece*, Fontana/Collins, 1989.
 12. Dover, K., «The Spoken and The Written Word», Ch.9 in D. Sansone *Ancient Greek Civilization*, Blackwell, 2004.
 13. Fisher, N., «Politics and Public Life: The Urban Scene», Ch.7 in D. Sansone *Ancient Greek Civilization*, Blackwell, 2004.

14. Hanson, M.A., *Athenian Democracy in the Age of Demosthenes*, Blackwell, 1991.
15. Jones, J.W., *The Law and Legal Theory of the Greeks*, Oxford University Press, 1956.
16. Martin, T.R., *Ancient Greece from Prehistory to Hellenistic Times*, Yale University Press, 1996.
17. Meiggs, Russell R. and David Lewis Selection of Greek Historical Inscriptions to the End of the Fifth Century BC (Oxford: Clarendon Press, 1969; revised edition 1989).
18. Murray, O., *Early Greece*, Fontana, 1980.
19. Lefkowitz, M.R., and Flint M.B., *Women's Life in Greece and Rome: A Sourcebook*, Baltimore, 1982.
20. Ober, J., *Mass and Elite in Democratic Athens: Rhetoric, Ideology and the Power of the People*, Princeton University Press, 1989.
21. Sourvinou-Inward, C., *'Reading' Greek Culture: Texts and Images, Rituals and Myths*, Clarendon Press, 1991.
22. Plutarch Solon [trans: John Dryden] (Internet Classics Archive, 2011) at 25, available online: <http://classics.mit.edu/Plutarch/solon.html>.
23. Pomeroy, S.B., et al., *Ancient Greece – A Political, Social and Cultural History*, Oxford University Press, 1999.
24. Sansome, D., *Ancient Greek Civilization*, Blackwell, 2004.

25. Thomas, R., *Literacy and Orality in Ancient Greece*, Cambridge University Press, 1992.
26. Todd, S.C., *The Shape of Athenian Law*, Oxford University Press, 1993.